

## سخنان مسئولان در سمینار

### دکتر نوربخش: نقش اساسی دولت در اقتصاد

دکتر محسن نوربخش معاون اقتصادی رئیس‌جمهور به تشریح سیاست آزادسازی و تعدیل اقتصادی بویژه در بخش کشاورزی پرداخت و گفت: مسئله‌ای که با آن روبرو هستیم مسئله‌ای است که اقتصاد ما با آن مواجه است و هدف، رفع این مشکلات و قرار گرفتن در یک وضعیت متعادل اقتصادی است. وی افزود اقتصاد ما همواره با دو مسئله کلی روبرو بوده است.

۱) عدم تعادل در تراز پرداختها

۲) عدم تعادل در اقتصاد داخلی و کسری بودجه

این دو موضوع همواره در طول تاریخ اقتصادی کشور به چشم می‌خورد و دولت‌ها همواره برای کمرنگ کردن یکی به دیگری توجه نشان می‌دهند. یا باید با استقرار کسری بودجه را جبران کرد و یا با کاهش منابع ارزی در بودجه به دیگری پرداخت ارائه راه‌حل برای این مشکل، برنامه‌ریزی و سرانجام رسیدن به رشد اقتصادی پایدار هدف سیاستهای جدید اقتصادی است.

وی سپس به حضور دولت در بخشهای مختلف اقتصادی اشاره کرد و گفت: دولت با تخصیص منابع در بودجه مستقیماً در چگونگی و حجم سرمایه‌گذاری دخالت دارد و در تعیین قیمت‌های نسبی باز دولت است که حرف اول را می‌زند که در همین مرحله میزان مشارکت بخش خصوصی نیز معین می‌شود و در یک کلام

دولت در ایجاد مسئله کسری تراز پرداختها، کسری بودجه و جهت گیری برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی پایدار نقش اساسی دارد و در چنین فضایی است که بحث آزادسازی مطرح می شود. با اجرای درست و دقیق این سیاست از نقش دولت در تخصیص منابع کاسته می شود و باید به دنبال مکانیسم تخصیص منابع از راههای دیگری رفت.

دکتر نوربخش تاکید کرد آزادسازی و تعدیل اقتصادی باید در چارچوب تعیین شده شکل بگیرد. هر یک از سیاستها در زمینه بازرگانی، ارزی، مالی و پولی تعریف و زمان خاص خود را داراست، تقدم هر يك بر دیگری سبب هرج و مرج می شود و اثر سوء خود را می نمایاند و آن چیزی است که ما اکنون با آن مواجهیم و آنچه در عمل رخ داده، با هدف مامنایرت دارد و می بینیم با حرکت نادرست بازارهای ما از اجناس خارجی پر شده است.

دکتر نوربخش سپس با اشاره به اقتصاد کلان و نقش دولت در تخصیص منابع در بخش کشاورزی گفت: این حضور در دو بخش تولیدات و عوامل تولید است. که خوشبختانه آقای دکتر کلانتری با کمک مجلس در تعیین قیمتها و تغییر سیاست قیمتهای تثبیتی به تضمینی موفقیتهایی داشتند.

وی با اشاره به دخالت بیشتر دولت در عوامل تولید و موضوع آزادسازی گفت: باید میزان این آزادی در تولیدات و عوامل تولید مشخص شود و سپس به اجرای برنامه پردازیم. و در همین شرایط به کشاورز اطمینان دهیم، چنانچه به سبب عرضه محصولات زیاد، با کاهش قیمت روبرو شد قیمتهای تضمینی به یاری وی خواهد آمد. وی تاکید کرد اگر غیر از این حرکت کنیم ممکن است در کوتاهمدت به نفع کشاورز باشد ولی در دراز مدت لطمه بسیار شدیدی به کشاورزی وارد خواهد شد.

وی تاکید کرد چنانچه آزادسازی با عوامل تولید آغاز شود ما را به رشد اقتصادی پایدار می رساند که جذب سرمایه ها را در پی خواهد داشت و رشد این بخش یعنی رشد ۴۰ درصد از جمعیت این کشور که در این بخش فعالند.

دکتر محسن نوربخش معاون اقتصادی رئیس جمهور در پایان سخنانش با قدردانی از برگزاری سمینار آزادسازی و توسعه کشاورزی به بخش صنعت توصیه کرد با برگزاری چنین سمینارهایی به ارزیابی سیاستهای اقتصادی مربوط به بخش خود پردازند و بدور از جناحها و اظهارنظرهای شتابزده، با بیان نقطه نظرهای کارشناسی در رسانه ها به نکات مثبت و منفی این جریان رسیدگی کنند و درصدد دستیابی به يك ارزیابی مسئولانه در مورد سیاست آزادسازی و تعدیل اقتصادی بر آیند.

### دکتر کلانتری: صنعت و کشاورزی در کنار هم ...

پس از سخنان دکتر نوربخش، آقای دکتر عیسی کلانتری وزیر کشاورزی طی سخنانی از اعمال

سیاستهای دوگانه در بخش کشاورزی و صنعت انتقاد کرد و گفت: باید این دو بخش را در یک چارچوب ببینیم. نباید مانند سیاستی که تاکنون حاکم بود کشاورزی همواره فدای بخش صنعت شود. این دو باید در کنار هم به رشد برسند.

دکتر کلانتری در تشریح تضاد موجود در این دو بخش گفت چرا فروش آزاد کمباین از سوی کارخانه قابل پذیرش است اما کشاورز نباید تولیدات خود را آزاد بفروشد؟ از سوی دیگر زمانی که افزایش تولید در واحد سطح مطرح است باید در مورد ماشین آلات هم این سیاست اجرا شود نباید به سبب کمبود کمباین دو میلیون تن گندم تولیدی از دست برود در حالی که اگر ۳۰ میلیون دلار برای خرید کمباین هزینه شود که ۱۰ سال هم کارآیی دارد از ورود سالانه ۲۰۰ میلیون دلار گندم بی نیاز خواهیم بود.

دکتر کلانتری گفت باید این سیاست که کشاورزی همواره اسیر یک صنعت نیمه مونتاژ باشد پایان یابد.

وزیر کشاورزی در بخش دیگر سخنانش به مسئله اشتغال در بخش کشاورزی اشاره کرد و گفت باید نسبت اشتغال در این بخش به حد معقولی برسد. اگر می خواهید در رقابتهای بین المللی حضور یابیم باید بررسی کنیم که ۳۰ درصد اشتغال در این بخش اقتصادی است. ما باید در زمینه تولید و اشتغال به یک نقطه اپتیمم برسیم.

وی در مورد سوبسیدهای این بخش گفت: با تعریفی که از سوبسید در جامعه مطرح است شاید بخش کشاورزی متهم به استفاده از سوبسید بود و تنها محلی که به کشاورز سوبسید می دادیم اعتبارات جزئی بانکی بود که کشاورزان حاضرند براجتی از آن چشم ببوشند.

دکتر کلانتری از واحدهای تولیدی بخش به عنوان یکی از مشکلات یاد کرد و افزود این واحدها باید اندازه اقتصادی خود را پیدا کنند و آنهایی که خیلی خرده پا هستند در قالب تعاونیها به کار ادامه دهند.

وی در مورد قیمت پایین نهادهای کشاورزی و اثر سوء آن بر تولید گفت: مصرف ۶۰ هزار تن سم یعنی خوراندن سالانه یک کیلو سم به مردم، به سبب ارزانی سم بود. از سوی دیگر پایین بودن قیمت این نهادهای موجب می شد که نه سم و نه کود بموقع و میزان دقیق مصرف نمی شد.

وزیر کشاورزی با اشاره به تولید متوسط سالانه ۱۰ تراکتور بعد از انقلاب و قیمت پایین این نهاده و مالکیت تقریباً انحصاری در دست تعداد کمی از کشاورزان گفت: ما معتقدیم تراکتور باید به قیمت تمام شده در اختیار فعالان این بخش قرار بگیرد و ماشین آلات جای خود را در کشاورزی بدرستی پیدا کنند. وی تاکید کرد برای کشاورز در اختیار داشتن کود و سم و ماشین آلات به مراتب مهمتر از قیمت این نهادهاست.

دکتر کلانتری در بررسی سیاستهای اجرا شده در بخش کشاورزی گفت: اجرای این سیاستها سبب شد

که در یکی دو سال اخیر بخش تحقیقات، پاسخگوی نیازهای کشاورزان نباشد، در حالیکه پیشتر کشاورزان، توجهی به توصیه‌های مروجان نشان نمی‌دادند. امروز کشاورز در پی تجزیه آب و خاکش است و حجم بالای مراجعه به آزمایشگاهها سبب شده‌است که بخش دولتی جوابگو نباشد و آزمایشگاههای خصوصی یکی پس از دیگری برای گرفتن مجوز فعالیت مراجعه کنند. پیامد این سیاست فعال شدن بخش خصوصی و علمی شدن کشاورزی ما همراه با رشد آن است.

دکتر کلانتری در مورد نظام کشت گفت: براساس آمار در حال حاضر ۱/۲ درصد از اراضی تولیدی در دست دولت است که در مقایسه با پیشرفته‌ترین کشورها کمترین میزان است و ۹۸/۷ درصد در دست بخش خصوصی است. باید برای این درصد بالا انرژی صرف کنیم و سیاستگذار باشیم. وی افزود باید در پی مزیت نسبی محصولات بود و هر محصولی چنین مزیتی داشت صادر شود. چه اشکالی دارد اگر بغیر از گندم بر سایر محصولات اقتصاد بازار حاکم شود؟ وی تاکید کرد برخلاف آنکه گفته می‌شود این سیاستها سبب ازهم پاشیدگی نظامهای تولیدی می‌شود، این اقتصاد برپایه نفت است که باید از هم پاشد. و شرایط اقتصادی جدید نظام کشت مناسب را در پی خواهد داشت.

فراموش نکنیم چند سال پیش نگرانی تبدیل مزارع برنج به کیوی وجود داشت. در حالی که احداث این باغها در حال توقف است. چون این محصول توان رقابت صادراتی ندارد و بازار داخل نیز گنجایش محدودی برای جذب دارد. وی افزود باتوجه به این واقعیتها کشاورز نه چماق می‌خواهد نه زندان. شاید برای حفظ زمین به چماق نیاز باشد ولی در مورد نوع کشت، بازارهای داخلی و خارجی تعیین کننده‌اند.

دکتر کلانتری از مسئله محیطزیست با عنوان يك مسئله جهانی یاد کرد و افزود ما حاضر نیستیم برای افزایش کوتاهمدت تولید، مسائل زیست‌محیطی و محیطزیستی را نادیده بگیریم. همان‌گونه که در سال ۱۳۶۰ با کشت گندم در اراضی کم بازده مرتعی مخالفت کردیم. وی افزود باید به علم اقتصاد، کشاورزی و بیولوژی توجه کنیم و غیرعلمی و با شمار تصمیم‌گیری و قانون‌نگذرانیم که ناچار شویم پس از بروز مشکل در صدد چاره‌جویی برآییم. امروزه حفظ اراضی کشاورزی يك کار علمی است. نه پول و نه زور نمی‌تواند يك سانت از اراضی را حفظ کند. باید از علم روز تا جایی که نهی نشده استفاده کنیم. وزیر کشاورزی در مورد سیاست حمایتی در این بخش گفت: بخش باغبانی به دلایلی چند تا اندازه‌ای نیاز به حمایت دارد. زیرا در رده محصول اساسی نیست و مردم در شرایط سخت از آن می‌گذرند و از طرفی صنعت این بخش در کنارش رشد نکرده است. باید این حمایت اعمال شود تا در هزینه تولید و قیمت‌های جانبی و موضوع اشتغال به نسبت قابل قبولی برسیم. باید این بخش، از نقدینگی سیستم بانکی، خارج از بوروکراسیهای موجود بهره‌مند شود. در همین راستا برای جلوگیری از اجحاف به مصرف‌کننده برخی محصولات در کوتاهمدت نیازمند حمایتند و در برخی مواقع نیز می‌توان از اهرم تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی برای حمایت این بخش

بهره گرفت. دکتر کلانتری افزود برخلاف آنچه در رسانه‌ها اشاره می‌شود هنوز سطح درآمدی مردم در کشور بالاست. وی افزود نوسانه روشن آن برنج پر محصول ارزانی است که هنوز نتوانسته جای برنج کیلویی ۱۵۰۰ ریالی را بگیرد. براساس آمار سالانه ۸۰۰،۰۰۰ تن برنج مرغوب در کشور تولید می‌شود که با توجه به سرانه مصرف برنج ۲۲ میلیون نفر مصرف‌کننده برنج مرغوبند و برنج کیلویی ۵۰۰ ریال خریدار ندارد.

وزیر کشاورزی در بخش دیگری از سخنانش به شرایط اقتصادی مصرف‌کنندگان اشاره کرد و گفت من مخالفم که محصولات کشاورزی به هر قیمت به دست مصرف‌کننده برسد. ما به این نتیجه رسیدیم که قیمت برنج و خرما به سقف تولید نزدیک شده است و مصرف‌کننده توان افزایش بیشتر را ندارد. در این مرحله باید در حدود پایین آوردن قیمت تولید باشیم، زیرا به عنوان تولید داخلی نمی‌توان هر اجزایی را از سوی تولیدکننده به مصرف‌کننده پذیرا باشیم.

وی تأکید کرد: تولید داخلی بهایی دارد که ما نباید بیشتر از بهای آن را بپردازیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی